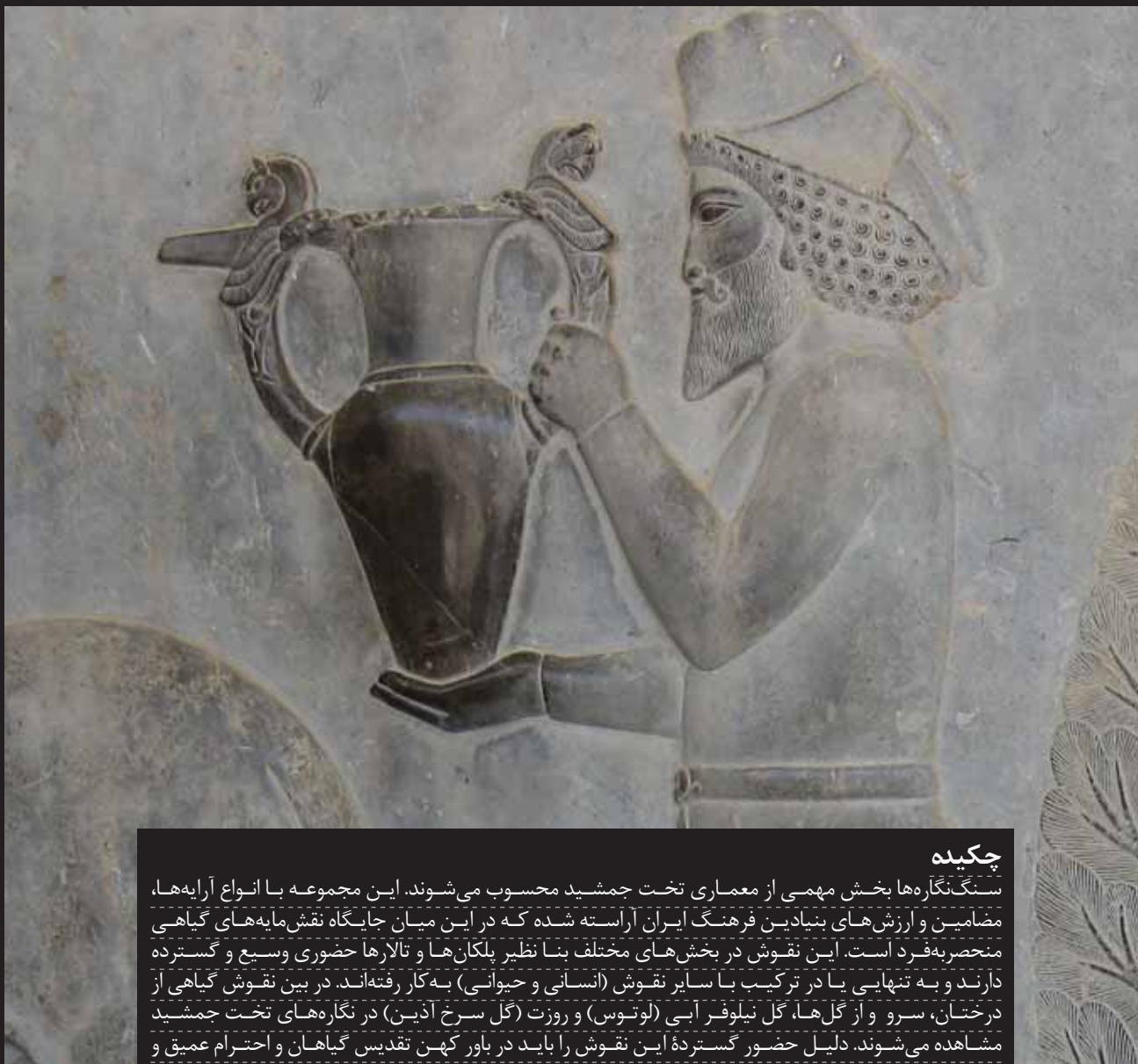




مرجانہ نادری گرزالدینی
مدرس دانشگاه فنی و حرفه‌ای دختران بابل

نگاره‌های گیاهی در تخت جمشید



چکیده

سنگ‌نگاره‌ها بخش مهمی از معماری تخت جمشید محسوب می‌شوند. این مجموعه با انواع آرایه‌ها، مضامین و ارزش‌های بنیادین فرهنگ ایران آراسته شده که در این میان جایگاه نقش‌مایه‌های گیاهی منحصر به فرد است. این نقوش در بخش‌های مختلف بنا نظیر پلکان‌ها و تالارها حضوری وسیع و گسترده دارند و به تنهایی یا در ترکیب با سایر نقوش (انسانی و حیوانی) به کار رفته‌اند. در بین نقوش گیاهی از درختان، سرو و از گل‌ها، گل نیلوفر آبی (لوتوس) و روزت (گل سرخ آذین) در نگاره‌های تخت جمشید مشاهده می‌شوند. دلیل حضور گسترده این نقوش را باید در باور کهن تقدیس گیاهان و احترام عمیق و فراوان ایرانیان به طبیعت جست‌وجو کرد. بخش بزرگی از اسطوره‌های کهن ایران را نمادها و نظام‌های مفهومی و استعاری مربوط به گیاهان تشکیل می‌دهد. مقاله حاضر به تبیین ارتباط میان نگاره‌های گیاهی تخت جمشید و اسطوره‌های کهن ایران می‌پردازد و هدف آن، کشف مفاهیم و مضامین نهفته در نمادهای به کار رفته است. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات آن کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که نگاره‌های گیاهی تخت جمشید با مضامین مذهبی و عقاید اسطوره‌ای ایران در ارتباطند و هنرمند ایرانی ادراک خویش را از حقیقت، جهان هستی، آفرینش و قدرت‌های طبیعت به واسطه رمز و نماد نشان داده و بدین ترتیب، نمایشی محسوس از امر نامحسوس از طریق به تجسم درآوردن تمثیل‌های عینی ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: تخت جمشید، نقش برجسته، نگاره‌های گیاهی، اسطوره، نماد



مقدمه

تخت جمشید بازتابی از عالی‌ترین تجلیات روح هنر ایرانی و نمادی از فرهنگ و هنر ملی ایران است. می‌توان گفت که دستاورد هنر هخامنشی به لحاظ مفهوم، هدف، نقش و نگار و ... در تخت جمشید تجلی یافته است. این بنای عظیم علاوه بر آنکه فر و شکوه درباری و قدرت شاهان هخامنشی را بیان می‌نمود، بر منصب آسمانی و مقام روحانی آن‌ها نیز تأکید می‌ورزید. در واقع، تخت جمشید صورت زمینی از شهر مینوی اساطیری است؛ از این رو تمام نقش‌مایه‌ها و نمادهای موجود در بنا بر ماهیت نیایشی این مکان دلالت می‌کنند.

تاریخ زندگی بشر نشان می‌دهد که تمام باورها و ادیان از نمادگرایی استفاده کرده‌اند؛ زیرا انسان به شیوه نمادپردازی بهتر می‌تواند مفاهیمی را که به روش‌های دیگر قابل بیان و توصیف نمی‌باشند، نشان دهد. پارسیان نیز عقاید دینی خود را که مشتق از تعالیم و آموزه‌های زرتشت بود، به شکل نمادین در آثار هنری خویش نشان داده‌اند؛ به طوری که منش نیک (بهمن) با گاو میش، نظام (اردیبهشت) با آتش و زندگی جاودانی (مرداد) با گیاهان نمادپردازی شده‌اند (افضل طوسی و حسن پور، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

با تأمل در اعتقادات اساطیری ایران، می‌توان نمونه‌های متعددی از عناصر گیاهی نمادینی را مشاهده کرد که در مضمون و شکل خود گستره‌های بزرگ معنایی را دربرمی‌گیرند. گیاهان به دلیل برخورداری از مفاهیم ضمنی، حضور گسترده و چشمگیری در آثار هنری ایران داشته‌اند. در این میان، به برخی از گیاهان توجه بیشتری معطوف شده که نمونه بارز آن در سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید مشاهده

می‌شود. این بنا از نخستین نمونه‌های بی‌نظیر کاربرد نقوش گیاهی در تزیین بنا و معماری است. نگاره‌های گیاهی به کار رفته در تخت جمشید شامل درخت سرو، گل نیلوفر آبی (لوتوس^۱) و روزت^۲ (گل سرخ آذین) می‌باشد. با توجه به کاربرد وسیع این نقوش در نقش برجسته‌های تخت جمشید، نوشتار حاضر به ریشه‌یابی و کشف علل، عوامل و تفکری می‌پردازد که منجر به استفاده از این نقوش شده است. بدیهی است شناخت ویژگی‌های این نقوش به عنوان بخش بزرگی از آرایه‌های تخت جمشید موجب آگاهی نسبت به ارزش‌های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی جامعه آن دوران می‌شود و پاسخ‌گوی بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات در زمینه انگیزه‌های کاربرد آن‌ها خواهد بود.

تخت جمشید

امپراتوری هخامنشی در سال ۵۵۰ پیش از میلاد توسط کوروش بنیان نهاده شد. این امپراتوری در زمان داریوش بزرگ (۵۲۲ الی ۴۸۴ ق.م) هرچه بیشتر توسعه یافت و از دره سند در شبه‌قاره هند تا شمال یونان و مصر را شامل گردید (آژند، ۱۳۹۰: ۳۴). تخت جمشید در سال‌های ۵۲۰ الی ۴۶۰ پیش از میلاد در زمان زامنداری داریوش و خشایارشا بنا گردید. این مجموعه ساختمانی در شهر مرودشت و در ۴۵ کیلومتری شهر شیراز، در دامنه کوه رحمت واقع شده است. مجموعه تخت جمشید از ساختمان‌های متعددی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: پلکان ورودی، دروازه ملل، کاخ آپادانا، تالار صد ستون، ورودی کاخ مرکزی، تچرای داریوش، هدیش خشایار، تالار شورا، خزانه شاهی و ساختمان‌های دیگر. در حقیقت، تخت

جمشید پایتخت تشریفاتی هخامنشیان و مرکزی برای برگزاری آیین تاج‌گذاری و مراسم جشن نوروز بود. در این جشن، نمایندگان ملل مختلف حضور می‌یافتند و هدایای خود را به پیشگاه پادشاه تقدیم می‌نمودند. می‌توان گفت سبک معماری و پیکر تراشی هخامنشی در تخت جمشید تجلی یافته است.

نقش برجسته‌های تخت جمشید

در معماری هخامنشی نقش برجسته همواره جزئی از بنا محسوب می‌گردید. ترکیب معماری و نقش برجسته در نهایت شکوه و زیبایی در تخت جمشید به ظهور رسیده است. نقوش برجسته تخت جمشید در هماهنگی و تناسب کامل با معماری بنا بوده و به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در حین عبور دیده شوند. جنسن در کتاب «تاریخ هنر» می‌گوید: «نقش برجسته‌های تخت جمشید معمولاً صحنه‌هایی را مجسم می‌سازند که در همان محل به وقوع می‌پیوست؛ مانند: صف‌آرایی سپاهیان کاخ، پاسداری نگهبانان، بار یافتن آوزندگان خراج‌ها و هدایا، حمل ظروف توسط خدمتکاران، ورود یا خروج پادشاه از اتاق‌ها و یا حضور یافتن درباریان به پیشگاهش» (جنسن، ۱۳۵۹: ۶۱). در وصف این نقوش می‌توان گفت پیکره‌ها حضوری آرام و باوقار در بستر سنگی خود داشته، در آن‌ها احساس حضور در ساحتی مقدس مشاهده می‌گردد و نیز کلیه نمادها و نقوش به کار رفته، بر ماهیت نیایشی این مکان تأکید می‌کنند. به طور کلی، نقوش به کار رفته در تخت جمشید را به سه دسته نقوش انسانی، جانوری و گیاهی می‌توان تقسیم کرد.

نقوش گیاهی

نقوش گیاهی در تخت جمشید



تصویر ۱. نمایندگان ملل مختلف

شاخه‌ای گل نیلوفر در دست می‌گرفت. پارس‌ها و مادها یکی که به حضور شاه می‌آمدند نیز هریک چنین شاخه گلی در دست داشتند. در درگاه تالار اصلی بنای خشایار شاه، نقش برجسته‌ای از پادشاه و خدمه‌اش مشاهده می‌شود که عصای فرمانروایی‌اش را در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ دارد و به سوی تالار گام برمی‌دارد.

نقش برجسته خزانه، داریوش را بر تخت سلطنت نشان می‌دهد که یک عصا در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ دارد. ولیعهد نیز نظیر این گل را در دست گرفته است. در مقابل پادشاه دو عودسوز قرار دارد که بالای سرپوش آن‌ها با شکوفه گل نیلوفر تزیین شده است (تصویر ۲).

موجب ظهور این نگاره در بخش‌های مختلف تخت جمشید شده است. در صف‌های سربازان و مهمانان هر گروهی از گروه دیگر به وسیله درخت سرو مجزا می‌شوند. همچنین، در پلکان آپادانا صحنه جدال شیر و گاو دیده می‌شود؛ در حالی که اطراف این دو حیوان درختان سرو قرار گرفته‌اند (تصویر ۱).

نیلوفر آبی (لوتوس)

در دوره هخامنشی به نقش مایه لوتوس توجه زیادی شده است. در نقوش تخت جمشید این گل را در دست شاه، شاهزاده و صاحب‌منصبان می‌بینیم. در آیین شاهنشاهی هخامنشی، پادشاه هنگام جلوس رسمی بر تخت سلطنت

عبارت‌اند از درخت سرو، نیلوفر آبی (لوتوس)، روزت (گل سرخ آذین). در هنر هخامنشی این نقوش کاربرد وسیع و گسترده داشته و به اشکال مختلف در مهم‌ترین بخش‌های بنا حضوری کامل یافته‌اند. به طوری که از هر فضایی برای نشان دادن درخت و یا شاخه‌ای گل استفاده شده است. در دستان بسیاری از پیکره‌ها شاخه‌ای گل به نشانه مهر، محبت و صلح و دوستی دیده می‌شود. در واقع، تخت جمشید باغی سنگی و گلستانی از گل‌های سنگی بسیار زیباست.

درخت سرو

اعتقاد پارسیان به اهورامزدا - ایزد برتر - و نماد گیاهی‌اش یعنی سرو،



رواق جنوبی آپادانا، طراح: مادام دیولافوا



تصویر ۲. نقش برجسته خزانه

مابعدالطبیعی مشاهده می‌کنیم. نباتات از کهن‌ترین ایام در باورهای انسان از ذات و جوهری روحانی برخوردار بوده و بر دین، آداب، سنن و فرهنگ مردمان تأثیری شگرف نهاده‌اند. در ادراک و تجربه کهن، گیاه به‌واسطه معنایی که متضمن آن بوده و بر آن دلالت می‌کرده، تقدس یافته است. نمادهای گیاهی در هنر ایران با پیشینه اعتقادی متنوعی حضور دارند که با توجه به موضوع مقاله حاضر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

درخت سرو

درخت سرو در فرهنگ ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و از هزاران سال پیش تاکنون مورد علاقه ایرانیان بوده است. در فرهنگ پارسی سرو با صفاتی چون راستین، بلند، سرفراز، تازه، جوان و پایدار توصیف شده است. در اوستا از درختانی سخن رفته که نزدیک چشمه می‌رویند، نگهبانانی دارند و

معروف به «روزت» است. برخی آن را گل آفتابگردان و برخی دیگر گل کوکب یا بابونه می‌دانند. از این نگاره برای پر کردن نوارها و حاشیه‌های نقوش اصلی استفاده شده است (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). این نقش‌مایه تقریباً در همه تزیینات تخت جمشید مانند پلکان‌ها، ردیف میانی سربازان، مهمان‌ها، بر روی آجرهای لعاب‌دار و ... مشاهده می‌شود (تصویر ۵).

یکی از نمونه‌های منحصر به فرد این نقش مربوط به آستانه در تالار آپادانا است که از سنگ‌های چهارگوش قطور تشکیل شده و با نگاره‌ای کاملاً صیقلی از روزت زینت یافته است (تصویر ۶).

مفاهیم نمادهای گیاهی

وابستگی حیات انسان به نباتات و گیاهان موجب شده است که آن‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی انسان حضور یابند. بخش عمده‌ای از این حضور را در روایات مردمی و بینش‌های

روی پلکان کاخ آپادانا نقش برجسته‌ای از صحنه نبرد شیر و گاو مشاهده می‌شود که در انتها به ردیفی از گل‌های نیلوفر ختم می‌گردد. این نقش خاستگاهی در پدیده‌های کیهانی دارد و در آن مبارزه فصول به صورت نمادین نشان داده شده است. نماد شیر (مظهر خورشید) در حال دریدن گاو نر (مظهر باران) است. به عبارت دیگر، پیروزی شیر بر گاو بیانگر چیرگی بهار بر تابستان است (تصویر ۳).

ستون، مهم‌ترین عنصر معماری هخامنشی است که از سه قسمت پایه، ساقه و سرستون تشکیل شده است. پایه ستون‌ها معمولاً به صورت ساده مکعبی و یا به شکل زنگوله‌ای (گلدانی) است و اغلب با غنچه‌های گل نیلوفر تزیین شده‌اند (تصویر ۴).

روزت (گل سرخ آذین)

بیشترین نقش‌مایه‌ای که در تخت جمشید به کار رفته، گلی دوازده پر



تصویر ۴. پایه ستون مزین به نیلوفر آبی

دارند: یکی مهر (یا میترا) و دیگری آناهیتا (ایزد آب). از دوران هخامنشی سه ایزد در اعتقادات ایرانیان حضوری بسیار گسترده دارند: اهورامزدا، آناهیتا و میترا. در کتاب «بندهش» که یکی از متون مقدس زرتشتی است، برای هر ایزد یا امشاسپندی گلی ذکر می‌شود و گل خاص آناهیتا نیلوفر است (بلخاری قهی، ۱۳۸۴: ۳۱). بنابراین، نیلوفر که در اندیشه‌های اسطوره‌ای ایران مقدس شمرده می‌شد، قداست خود را در آیین زرتشت نیز حفظ کرد و در آثار هنری ایران حضوری چشمگیر یافت.

روزت (گل سرخ آذین)

روزت، نماد سنتی خورشید و بازگوکننده نیروی حیات‌بخشی است. مانند چرخه‌ای که گاهی بدان شباهت

این شاخه را شاخه سرو دانسته‌اند (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۲: ۸۴).

نیلوفر آبی (لوتوس)

در اساطیر کهن ایران، نیلوفر به واسطه پیوندش با دو عنصر مهم طبیعت (آب و خورشید) جنبه نمادین یافته است. این گل نماد تجلی است؛ زیرا در آب می‌روید، با طلوع خورشید می‌شکفتد و با غروب آن بسته می‌شود. در ایران، ایزدان در دو قلمرو اسطوره‌ای و قلمرو تعالیم اوستا مورد بحث قرار می‌گیرند. با ظهور زرتشت و تعالیم توحیدی او، ایزدان اسطوره‌ای از مقام خدایی سقوط می‌کنند و به فرشتگانی تبدیل می‌شوند که هر کدام موکل بخش‌هایی از عالم‌اند. در این میان، دو فرشته با نیلوفر پیوند

نماد سرچشمه حیات، خیر و برکت [...] و استقامت‌اند. در فرهنگ مذهبی، این درختان نماد نور الهی، دانش، خردورزی، و اصل خیرند و به‌عنوان نمادی از تکامل انسان مورد ستایش قرار گرفته‌اند (پورخالقی، ۱۳۸۱: ۹۳). از جمله این درختان سرو است که طبق عقاید باستانی نماد فناپذیری و مربوط به نور ایزد اهورامزدا و حتی شخص زرتشت است (زارعزاده و پورمند، ۱۳۸۸: ۸۶).

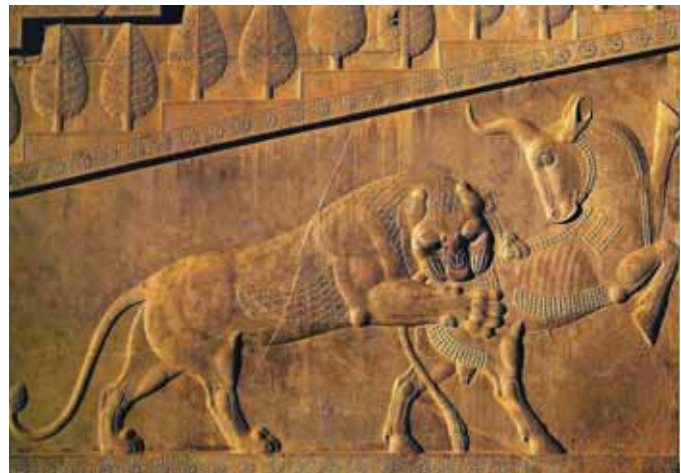
مطابق روایات ایرانی، زرتشت از جانب اهورامزدا دو شاخه سرو از بهشت آورد و نیز روایت است زرتشت، بهمن امشاسپند را به‌صورت انسانی دید که به پیام‌آوری از سوی اورمزد نزد او آمده بود. بهمن شاخه سفیدی در دست داشت و آن شاخه «مینوی» دین بود.



تصویر ۶. سنگ سیاه و براق از آستانه در



تصویر ۵. حاشیه تزیینی با نقش روزت



تصویر ۳. پلکان شرقی آپادانا

پی‌نوشت‌ها

1. Lotus
2. Rossette

منابع

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۹۰). تاریخ هنر باستان، تهران: سمت.
۲. افضل طوسی، عفت‌السادات و حسن پور، مریم. (۱۳۹۱). نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران. فصلنامه مطالعات ملی شماره ۴۹.
۳. آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۸۰). اسطوره زندگی زرتشت، تهران: چشمه.
۴. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند. فصلنامه کتاب ماه هنر، شماره ۸۳ و ۸۴.
۵. پورخالقی چترودی، مهدخت. (۱۳۸۱). درخت زندگی و ارزش فرهنگی و نمادین آن در باورها. مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱.
۶. جنسن، ه، دبلیو. (۱۳۵۹). تاریخ هنر (ترجمه پرویز مرزبان). تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. زارع‌زاده، فهمیه و پورمند، حسنعلی. (۱۳۸۸). بازنمود باور داشت مردم یزد در نقش نمادین سرو. فصلنامه هنرهای تجسمی.
۸. موسوی، مهرزاد. (۱۳۹۰). جستاری در پیشینه هنر هخامنشی. شیراز: رخسید.
۹. هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب (ترجمه رقیه بهزادی). تهران: فرهنگ معاصر.

می‌توان مشاهده کرد.

دلالت‌های اسطوره‌های گیاهان آن‌ها را سرشار از معانی و مفاهیم ضمنی می‌کند. از این‌رو هنرمند پارسی - که همواره زبان رمز و کنایه را برای بیان اهداف خویش برمی‌گزید - ادراک خود را از حقیقت به‌واسطه رمز و نماد نشان داده و بدین ترتیب، نمایش محسوس از امر نامحسوس را از طریق به تجسم درآوردن تمثیل‌های عینی ارائه نموده است. از آنجا که درخت سرو، گل نیلوفر و روزت در فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی آکنده از انواع وجوه اشاره‌ای و مفاهیم تمثیلی هستند، جایگاه ویژه‌ای در هنر هخامنشی یافته‌اند. این جایگاه را به‌خوبی می‌توان از روی نقوش حجاری‌ها و سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید دریافت.

دارد، در وهله اول، یک نماد خورشیدی بود و بدین ترتیب آن را روی قرص بال‌دار می‌توان دید. این نقش، تجسم چندین خورشید - خدای خاورمیانه - است (هال، ۱۳۸۰: ۳۰۲).

نتیجه‌گیری

نگاره‌های گیاهی تخت جمشید تجلی اعتقادات مردمی است که از نمادها و سمبل‌های فراوان برای اشاره به باورها و اندیشه‌های موجود در آیینشان بهره‌مند شده‌اند. این نگاره‌ها با مضامین مذهبی و عقاید اسطوره‌ای پارسیان در ارتباط‌اند و بازتابی از تصور آن‌ها نسبت به جهان هستی، آفرینش و قدرت‌های طبیعت محسوب می‌شوند؛ به‌طوری‌که در هنر این دوره نوعی ارتباط با طبیعت و امر قدسی را